

ماهنامه

# مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

## گزارش هیئت دبیران به هیئت اجراییه در باره موضع حزب ما در مورد حوادث چکوسلواکی

چنانکه اعضاء هیئت اجراییه مستحضرند در ۲۱ ماه اوت ۱۹۶۸ ارتشهای اتحاد جماهیر شوروی، لهستان، آلمان دمکراتیک، بلغارستان و مجارستان بمنظور خنثی نمودن

عملیات تخریبی ضد انقلاب و حفظ و حراست دستاورد های سوسیالیسم وارد جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی گردیدند. برای کسانی که تحول اوضاع چکوسلواکی را پس از ژانویه ۱۹۶۸ دقیقاً تعقیب نموده و اقدامات تخریبی عوامل ضد سوسیالیستی را با نگرانی دنبال کرده اند، حادثه ۲۱ اوت نه تنها شگفت آور نبود بلکه بعکس

بمنزله اقدامی ضروری و عملی کاملاً منطقی و منطبق با اصول انقلابی بشمار آمد. حزب ما با اینکه مانند بسیاری از احزاب کمونیستی و کارگری جهان تصمیماتی را که بلبوم ژانویه حزب کمونیست چکوسلواکی درباره بهبود شیوه رهبری و بسط دموکراسی سوسیالیستی و اصلاح برخی مواضع نادرست دنباله در صفحه ۲

### موج بی آرام ترور و فشار

را که جان در راه وطن باختند بدروغ «تنی چند از ارشار» معرفی کند. اما چه کسی به این دروغ بزرگ باور کرد؟ موج اعتراضی که بدنبال اعدامهای اخیر مخصوصاً در خارج از کشور برخاست، سیمای فریادگر رژیم را بار دیگر به جهانیان نمایاند. در بیانیه ای که باین مناسبت از طرف حزب دموکرات کردستان انتشار یافته است گفته میشود: «ما هاست دیگ خشم دشمنان آزادی در کردستان ایران بجوش آمده هفته ای نیست که در نقاط مختلف، عده ای از بهترین فرزندان خالق کرد را به اتهامات واهی سرقت مسلحانه، راهزنی و اخلاص به آسایش و امنیت عمومی به محاکم در بسته فرمایشی نظامی نکشاند، به مرگ یا محکومیت های طویل المدت محکوم نمایند.»

اخیراً نیز قرار است محاکمه یک گروه ۱۶ نفری از دانشجویان به اسمی: بیژن جزنی، عباس سورگی، حسن ضیاء ظریفی، دکتر حشمت شهرزاد، مجید احسن، زرار زاهدیان، احمد افشار، عزیز ستمدی، فرخ زکهدار، مهندس قاسم رشیدی، کیومرث ایزدی، کوروش ایزدی، نصیری، مشعوف کلانتری، محسن جوانزاده، محسن کبانزاد، در دادگاه در بسته نظامی آغاز شود این عده بیش از شش ماه است که بوسیله سازمان امنیت بازداشت و برخی از آنان شدیداً شکنجه شده اند. هشت نفر از این عده را از آنجهت که از طرف دادستان نظامی به «قیام علیه حکومت» متهم شده اند خطر مرگ تهدید میکند. عده دیگری از دانشجویان دانشگاههای تهران اصفهان، تبریز، مشهد، شیراز از دانشگاه

تعقیب و بازداشت، پرونده سازی و پاپوش دوزی، حبس و تبعید، شکنجه و تیر باران، خصصه جدائی ناپذیر رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه است. در ۵ ساله پس از کودتا، روز و هفته ای نیست که فراوان حکومت مستبد به خانه و کاشانه ای یورش نبرند و مردم میهن پرست را از آغوش خانواده به تاریکخانه های زندانها و شکنجه گاهها نکشند. زندانهای تهران، شیراز، اصفهان، برازجان، بندر عباس، خاگ پیراز میهن پرستانی است که «جرمی» جز عشق به استقلال میهن خود ندارند. در ورای ادعای دروغین «ثبات و آرامش» مبارزه مردم علیه رژیم ضد ملی و مستبد شاه همچنان ادامه دارد و اگر فشار و اختناق مانع از انعکاس این مبارزه است، بگیر و ببندها و اعدامها و تیربارانها اقوی دلیل وجود این مبارزه است. در یکسال اخیر بازداشت های تازه ای صورت گرفته و عده ای از زندانیان سیاسی و از جمله زندانیان توده ای رفقا خاوری، حکمت جو، آصف و صابر و یارانشان به نقاط دور دست و بد آب و هوا تبعید شده اند و با آنکه رفقا خاوری و حکمت جو و معتدی شدیداً بیمار هستند، سازمان امنیت از انتقال آنان به تهران و فراهم آوردن امکانات معالجه برایشان خودداری میکند. اشغال نظامی کردستان و یورش بیرحمانه به میهن پرستان کرد و سرانجام اعدام و تیر باران ده نفر میهن پرست کرد از جمله وحشیانه ترین اقدام رژیم در دوران اخیر بوده است. رژیم شاه به عبث کوشید تا محتوی سیاسی اعدامهای اخیر کردستان را از افکار عمومی پنهان دارد و میهن پرستانی

### نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران

#### خطاب به کلیه سازمانهای دمکراتیک و بهمه آزادیخواهان جهان

مبادرت بتوقیف و کشتار میهن پرستان کرد نموده اند حتی بنا با تتراف خود دولت در عرض دو ماه اخیر ۱۰ نفر از آزادیخواهان کرد خودسرانه و بدون محاکمه در شهر های مختلف کشور اعدام شده اند. در زیر فهرست این اشخاص با ذکر محل اعدام آورده میشود. ملا قادر لاجینی در مهاباد بدر آویخته شد علی رحیمی در خانه تبر باران شد احمد مجید در مهاباد بدر آویخته شد محمد رسول در خانه بدر آویخته شد حسین شال کوچ در جلدیان تبر باران شد حمزه مولود در اوشنویه بدر آویخته شد یوسف حمزه در خانه تبر باران شد دنباله در صفحه ۶

دوستان عزیز! علیه جنبش دمکراتیک و میهن پرستانه مردم ایران اکنون موج جدیدی از فشار آغاز شده است. پس از دستگیری صد ها نفر دانشجویان اعتراضی دانشکده های مختلف و توقیف و تبعید ده ها نفر از میهن پرستان و آزادیخواهان دارای عقاید مختلف سیاسی (توده ای، مصدقی، روحانیون مترقی) که در ۴ ماه گذشته انجام شده است، اینک دولت ضد ملی و ضد دمکراتیک ایران بمنظور ارعاب و جاوگیری از مبارزه مردم کشور ما که برای بدست آوردن حقوق خویش مبارزه می کنند دست به تهاجم و کشتار های وسیعی زده است. متجاوز از ۱۱ هزار زندانم و یک لشکر از توای ارتشی در سر تنه سر ایالت کردستان بیهانه های بی اساسی

### چرا شاه و فیصل و امیر گویت

#### بهم نزدیک میشوند

میخواهند این بار تسلط خود را در خلیج، باقتضای قاعده استعمار توین، بدست نیروهای محلی مورد اعتماد خویش، مستور سازند. از آنجا که کاندید های محتمل اجراء چنین نقش پوششی عربستان سعودی و ایران بودند بین این دو کشور رقابتی در گرفت. در آغاز بنظر میرسید که امپریالیستها، (شاید در اثر برخی نگرانی ها که در ایران پیدا کرده بودند) تکیه اساسی خود را متوجه

خوانندگان ما مسلماً حوادث خلیج را دنبال کرده اند. در اینجا، پس از تصمیم نیروهای انگلیس بخروج سخن از پیدایش «خلأ»، بمیان آمد و این بحث مطرح گردید آیا چه کسی باید این خلأ را پر کند؟! روشن است صحبت خلأ، بدین معنا که کوبا امپریالیستهای انگلیس و امریکادر درجه اول و دیگر نیروهای امپریالیستی از خلیج و منابع عظیم ثروت آن دست برداشته اند کذب محض است ولی در این گفتگو یک نکته وجود داشته و آن اینکه امپریالیستها

### کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست و کارگری

#### در ماه مه تشکیل خواهد شد

مورد مباحثه قرار داد شرکت کنندگان جلسه پس از مذاکرات وسیع و همه جانبه باین نتیجه رسیدند که کنفرانس بین المللی برای ماه مه ۱۹۶۹ در مسکو تشکیل گردد و دستور آن همان باشد که در جلسه مشورتی ماه فوریه ۱۹۶۸ تعیین گردیده است یعنی: «وظائف مبارزه علیه امپریالیسم در مرحله کنونی و وحدت عمل احزاب کمونیستی و کارگری و همه نیروهای ضد امپریالیستی» شرکت کنندگان جلسه تدارک کی دنباله در صفحه ۵

کمسیون تدارک کی کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست و کارگری که از تاریخ ۱۸ تا ۲۱ نوامبر ۱۹۶۸ در بوداپست با شرکت نمایندگان ۶۷ حزب تشکیل گردید ضمن اطلاع ای که در پایان کار های خود صادر نمود تصمیمات جلسه مزبور را بشرح زیرین اعلام نمود: ۱- کمسیون تدارک کی بنا بر تصمیمی که در اجلاسیه گذشته خود (سیتامیرا-کتبر ۱۹۶۸) اتخاذ نموده بود مسائل مربوط بدعوت کنفرانس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری و ادامه اقدامات تدارک کی آنرا

### نامه کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام

بمناسبت پیام همبستگی بلنوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران با بیکار آزادیبخش خلق ویت نام

ایران، علیه استعمار و دیکتاتوری رژیم سلطنتی ایران که همدمت امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی است آرزومندیم. بگذار دوستی میان دو حزب ما و دو خلق ما در آینده بیش از پیش استوار گردد و توسعه یابد. کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام هانوی - ۱۰ سپتامبر ۱۹۶۸

# گزارش هیئت دبیران به هیئت اجراییه در باره موضع حزب ما در مورد حوادث چکوسلواکی

رهبری گذشته اتخاذ نموده بود با تفاهم تلقی نمود ولی در همان حال از وضعی که رفته رفته در این کشور بوجود میآید و پدیده‌های نامالومی که بزبان سوسیالیسم و قدرت کارگری و بسود محافل ارتجاعی و امپریالیستی ظهور مینموند نگران بود. با وجود این، چنانکه ضمن مذاکرات بلنوم دوازدهم نیز تصریح گردید، حزب ما امیدوار بود که حزب کمونیست چکوسلواکی علیرغم اقدامات عناصر مخرب بر اوضاع مسلط گردد و بتواند راه صحیح را از میان انبوه حوادث ناگوار درهمی که در آن کشور میگذاشت بپیدای ولی متأسفانه واقعیت اوضاع نشان داد که نه تنها رهبری حزب کمونیست چکوسلواکی به پدیده سر بلند کردن ضد انقلاب کم بها میدهد بلکه رفته رفته زمام کار نیز از دست او خارج میگردد.

در واقع نقشه ضد انقلاب که بصورت خزش آرام بیش میرفت در مرحله اول متوجه تضعیف و متلاشی ساختن حزب کمونیست چکوسلواکی بود و اظهارات و اقدامات برخی از رهبران حزبی نیز ولو بطور ناآگاهانه در جهت این نقشه دشمن سیر میکرد. دعوت‌های برخی از رهبران حزب دایر بخانه دادن انحصار کمونیستها بر دولت و مردم و جدائی حزب از دولت، ادعای استقرار تعادل بین حزب کمونیست و احزاب سیاسی دیگر، نفی رهبری حزب در اقتصاد و فرهنگ، پیش کشیدن مسئله خود مختاری سازمانها و ارگان‌های حزبی بنحوی که سازمانهای مزبور الزامی به تبعیت از انضباط عمومی حزب نداشته و ارتباطشان با مرکز حزب مانند اتحادیه‌ها و کورپراتیو‌ها جنبه داوطلبانه داشته باشد، پیشنهاد شناختن حق اقلیت و نظریات گروهی در اساسنامه حزب و غیره همه به سمت کردن مبانی حزبی و تضعیف نقش رهبری حزب کمونیست کمک مینمود.

سازمان‌های ضد سوسیالیستی و ضد انقلابی تدریجاً در کنار حزب کمونیست وارد میدان عمل شدند. احزاب «جهه ملی» از قبیل حزب خلق و حزب سوسیالیست بدوا مدعی شرکت هم سطح با حزب کمونیست در حکومت شدند و سپس پا را از این فراتر گذاشته رسماً مسئله بر کنار ساختن حزب کمونیست و ایجاد رهبری جدید غیر کمونیستی را مطرح ساختند. حزب سوسیال دموکرات علیرغم اینکه از طرف دولت ممنوع اعلام شده بود عملاً تشکیل گردید و اعلامیه‌ای دایر به تجدید فعالیت خود انتشار داد و شبکه سازمانی خود را در ایالات و در پراگ ایجاد نمود. سازمانهای دیگر ضد انقلابی تحت عنوان «کلوب ۲۳۱» و «کلوب غیر حزبی» های متعهد که در آن همه گونه عناصر ضد سوسیالیستی شرکت داشتند آشکارا تشکیل گردید و فعالیت پرداخت. وقتی در ماه فوریه کریگل عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست

چکوسلواکی رسماً از ضرورت بازگشت به سیستم «چند حزبی» و «حق مساوی شرکت احزاب در دولت» سخن گفت این امر در حکم تشویق این سازمانها به بسط فعالیت خود بود. در پایان ماه ژانویه نامه معروف به «۲۰۰۰ کلمه» نشر یافت که آشکارا علیه حزب کمونیست چکوسلواکی تنظیم شده و صریحاً مردم را علیه حکومت قانونی حتی با توسل باسلحه، بمبارزه دعوت میکرد. در مطبوعات علناً طرح بر کنار ساختن حزب کمونیست و انتقال دولت به غیر کمونیستها از طریق انتخابات فوق العاده مجلس مطرح شد و حتی سازمان‌های ضد انقلابی رسماً به تجهیز نیروها بمنظور شکست دادن حزب کمونیست در انتخابات مجلس بویژه در حوزه پراگ پرداختند. هدف این اقدامات که عبارت از تلاشی حزب کمونیست، انحراف از کمونیسم و سوق دادن حزب سوسیال دموکراتیسم، تغییر ماهیت دولت و تبدیل آن به جمهوری بورژوازی بود هر روز آشکارتر در مطبوعات منعکس میگردد.

وسائل عمده تبلیغ مانند رادیو، تلویزیون و جرائد عرصه فعالیت شدید عناصر مشرّف و ضد سوسیالیستی قرار گرفت. عناصر مزبور از این وسائل علیه حزب کمونیست استفاده میکردند. روزنامه‌ها و مجلاتی نظیر «لیترارنی لیست»، «ملادا فرونتا»، «پراتسه»، «لیدو دموکراسی» و نظائر آن تبلیغات پر دامنه‌ای علیه سوسیالیسم و حزب کمونیست، علیه ایده نولوژی مارکسیسم - لنینیسم، علیه کشورهای سوسیالیستی و بویژه علیه اتحاد جماهیر شوروی براف انداخته بودند. کار بجائی رسیده بود که روزنامه «ملادا فرونتا» در ۱۴ ژوئن بیانیه‌ای از طرف کمیته‌ای که خود را سوسیالیست‌های چکوسلواکی نامیده بود انتشار داد که در آن از جمله صریحاً چنین گفته شده است: «قانونی که ما میبایم باید هر گونه فعالیت کمونیستی را در چکوسلواکی منع کند. ما فعالیت حزب کمونیست چکوسلواکی را ممنوع خواهیم ساخت و این حزب را منحل خواهیم نمود». مؤلفین این سند پیشنهاد میکردند که آثار مارکسیسم - لنینیسم محو گردد. مهمتر آنکه برخی از افراد سرشناس حزب کمونیست چکوسلواکی نیز در حملاتی که با اصول مارکسیسم - لنینیسم میشد شرکت داشتند و حتی به نفی اهمیت بین‌المللی لنینیسم پرداخته منکر آن شدند که در شرایط کنونی لنینیسم راهمای عمل است.

عناصر ضد سوسیالیسم علناً میتینگ‌هایی در نواحی مختلفه تشکیل داده و نسبت بحزب کمونیست، نسبت به اتحاد شوروی و برخی دیگر از کشورهای سوسیالیستی حمله ور میشدند و ایتقیبیل اظهارات بلافاصله در مطبوعات غائی از قبیل «لیترارنی لیست» انتشار مییافت. در یکی از میتینگ‌های کلوب جوانان از جمله اظهار شد: «حزب کمونیست چکوسلواکی

سازمانی جناح‌نگار است که باید از زندگی اجتماعی طرد گردد». جالب اینست که عناصر راست ضد انقلابی که بر وسائل تبلیغی تسلط کامل یافته بودند امکان یافته بودند در مطبوعات علیه سوسیالیسم تبلیغ کنند و تحت شعار های ضد انقلابی به تظاهرات و میتینگ‌ها بپردازند ولی هنگامیکه کارگران و عده‌ای از اعضاء حزب باین جریانات معترض بودند و میخواستند که اعتراض خود را در مطبوعات منعکس نمایند با دشواریهای بسیاری روبرو میشدند و نمیتوانستند لااقل از امکانات مشابه استفاده نمایند. بدین طریق وضعی در چکوسلواکی بوجود آمد که جمله علنی بمواضع و اصول مارکسیسم - لنینیسم آزاد و دفاع از حزب کمونیست و آموزش مارکسیستی - لنینیستی دشوار و خطرناک گردید.

در عوض، تهییج احساسات ناسیونالیستی و حملات شدید و ایراد اتهامات علیه نزدیک ترین دوستان چکوسلواکی سوسیالیستی یعنی اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای همپیمان سوسیالیستی بپرز شد. از مازاریک دشمن جنبش کمونیستی و یکی از پشاهانگان مداخله مساجانه علیه روسیه شوروی بمشابه قهرمانی ملی یاد میشد و بنشین در تعداد افتخارات ملت‌های چکوسلواکی بشمار آمدند. در عین حال جنجال تبلیغاتی بزرگی برپا شده بود مبنی بر اینکه تمام ابد بختیهای چکوسلواکی ناشی از آنست که گویا مدل سوسیالیسم شوروی بوی تحمیل شده و روابط اقتصادی بین چکوسلواکی و اتحاد شوروی بزبان مصالح چکوسلواکی و باری بردوش اوست. در عین حال کارزار تبلیغاتی شدیدی علیه اوضاع اقتصادی شوروی و بمنظور بی اعتبار ساختن اقتصاد سوسیالیستی براف افشاده بود. کسانی چون شیک و هواداران مکتب او نه تنها مارکسیسم را شوری کهنه و در گذشته‌ای معرفی میکردند بلکه مدعی شدند که اقتصاد چکوسلواکی و دیگر کشورهای سوسیالیستی عقب افتاده و دچار بحران است. بحث بر سر رفورم اقتصادی چکوسلواکی نیز بانجا میانجامید که از یکطرف اقتصاد سوسیالیستی درسته بیاد انتقاد گرفته میشد و از سوی دیگر جانشین ساختن روابط خود بخودی بازار بجای اقتصاد طبق نقشه پیشنهاد میگردد. هدف این قبیل تبلیغات آن بود که سمت گیری اقتصاد چکوسلواکی بسوی کشورهای غربی توجیه گردد.

علاوه بر این عناصر ضد انقلابی مسئله تجدید نظر در سیاست خارجی چکوسلواکی و عضویت آن کشور را در پیمان ورشو پیش آوردند. تا جائیکه برخی از رهبران حزبی و زمامداران دولتی و از جمله وزیر خارجه هایک علناً در اظهارات خود از لزوم تغییر جهت در سیاست خارجی و تجدید نظر در پیمان ورشو سخن گفتند. بعضی از رجال چکوسلواکی دم از نزدیکی با آلمان باختری میزدند، سخن از سیاست باصطلاح مستقل تری نسبت بسیاست اتحاد شوروی میرفت و برای توجیه این برخورد متکی باین استدلال نادرست میشدند که چون چکوسلواکی بین شوروی و آلمان باختری قرار گرفته باید سیاست تعادل مبنی بر این واقعیت اتخاذ نماید.

این نظریه که صرفاً وضع جغرافیائی را پایه خط مشی سیاسی قرار میدهند نه تنها مسئله طبقاتی و همبستگی سوسیالیستی را کنار میگذارد بلکه متضمن چنین اندیشه‌ای است که گویا استقلال چکوسلواکی از جانب اتحاد جماهیر شوروی، یعنی دولتی که این کشور را از چنگال فاشیسم آلمان هیتلری رهایی بخشیده و بیش از ۱۵۰ هزار تن از فرزندان خود را تنها برای نجات و تأمین استقلال آن فدا کرده است، مورد تهدید قرار گرفته و لذا لازم است کشور دیگری (آنهم آلمان غربی) بمنزله وزنه‌ای برای خنثی ساختن این تهدید وارد میدان شود. بهمین سبب دیده میشد که مرزهای چکوسلواکی عملاً بروی کشورهای غربی باز بود و خرابکاران و عمال سازمانهای جاسوسی امپریالیستی آزادانه بچکوسلواکی آمد و رفت میکردند، پولهای گزاف میبرختند و مخفیانه اسلحه و مهمات بان کشور وارد مینمودند. مطبوعات سرمایه داری، رادیو و تلویزیون در این کشورها بشکل مسابقه‌ای بدفاع از تحولات چکوسلواکی و سیاه جلوه دادن گذشته آن پرداختند. پروفوسور مهنرت که از کارشناسان معروف کشورهای شرقی است در توصیف حوادث چکوسلواکی در ۳۰ مارس ۱۹۶۸ تلویزیون آلمان غربی گفت: «این جریان در چکوسلواکی تکامل در آن سمتی است که لنین را بشدت خشمناک میکرد، یعنی تکامل در جهت سوسیال دموکراسی یا سوسیالیسم دموکراتیک» وی سپس افزود: «منطق اشباه حکم میکند که روزی بگوئیم سوسیال دموکراسی در این کشور زمام امور را بدست گرفته است». روزنامه فرانکفورتر روندشائو در تاریخ ۲۸ مارس ۱۹۶۸ نوشت که در چکوسلواکی «دگماتیکیها گام بگام از رأس امور پلیس، ارتش و دادگستری و مؤسسات ابدنولوژیک دور میشوند» یا مثلاً کریسکی رئیس حزب سوسیالیست اطیش در روزنامه دی ولت هامبورگ نوشت: «در مرحله اخیر در چکوسلواکی یک جریان دموکراتیزاسیون واقعی عملی میشد. در نتیجه این جریان دیگر چکوسلواکی یک کشور دیکتاتوری کمونیستی نبود. دست‌گاه‌ها که دیکتاتوری کمونیستی را تکامل درونی حوادث فلج میکرد». روشن است که مقصود کریسکی سوسیال دموکرات از دیکتاتوری کمونیستی و فلج شدن آن، رژیم سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریاست و غرض او از پیرویه دموکراتیزاسیون پایان یافتن نظام سوسیالیستی و رهبری حزب کمونیست است. مهنرت و کریسکی با این سخنان در واقع خزش آرام ضد انقلاب را در چکوسلواکی بیان میکنند یعنی همان شرایطی که بقول رفیق گومولکا چکوسلواکی را بر سرشایی قرار میداد که پایان آن روشن نبود.

این جریان در چکوسلواکی روز بروز شدت مییافت و همه چیز نشان میداد که عناصر ضد انقلابی بکمک نیروهای امپریالیستی و دستیاران ضد سوسیالیستی خود در خارج بفعالیت پر دامنه‌ها مهنرت و طبق نقشه‌ای دنباله در صفحه ۳

## گزارش هیئت دبیران به هیئت اجرائیه درباره موضع حزب ما در مورد حوادث چکوسلواکی

دست زده اند که هدف همه آن اقدامات سرنگون ساختن نظام سوسیالیستی از راه تضعیف و تلاشی تدریجی حزب طبقه کارگر، بی اعتبار ساختن سوسیالیسم در چکوسلواکی و لدی الاقضاء از راه انجام یک کودتای ضد انقلابی برای بدست گرفتن قدرت است که، جدا ساختن چکوسلواکی از جامعه سوسیالیستی و استقرار مجدد رژیم سرمایه داری در آن کشور بود.

کشورهای سوسیالیستی شوروی، آلمان دموکراتیک، لهستان، مجارستان و بلغارستان طی ملاقات های دو جانبه و جمعی ععیده ای در دزدسن، مسکو، پراگ، چی ارنا نایسا، براتیسلاوا، گرانهای خود را در مورد این وضع آشفته با رهبری حزب کمونیست چکوسلواکی در میان گذاشتند. رهبری حزب کمونیست چکوسلواکی هر بار وجود فعالیت از جانب عناصر ضدسوسیالیست و رویزیونیست را تأیید کرد و اطمینان داد که حزب کمونیست بر اوضاع مسلط است و خود بیایان دادن این اوضاع آشفته قادر است. ولی علایم اقدامات از حدود برخی سخنرانی ها و تقبیح های رفیق فراتر نرفت. حتی پس از کنفرانس براتیسلاوا و توافق شش حزب در آن که مابیه شادمانی و خرسندی همه کمونیستهای جهان شد سرکوفسکی رئیس مجلس چکوسلواکی بخود اجازه داد که در مصاحبه ۷ اوت ۱۹۶۸ اظهارمنفی ای بدین مضمون نماید: «اعلامیه براتیسلاوا را اول باید به چکی ترجمه کرد. آنچه ما میخواهیم بدان رسیده ایم. حالا باید آنچه را که در براتیسلاوا از دست داده ایم بدست آوریم».

تسامح رهبری حزب کمونیست چکوسلواکی نشان میداد که رهبری مزبور بعق خطری که نه تنها چکوسلواکی را تهدید مینمود بلکه امنیت کشورهای سوسیالیستی دیگر را نیز بخطر میانداخت کاملاً بی نبرده است، یا دشمن را حقیر میشمرد و یا با امکانات خود برای حفظ ابتکار و عنان زدن به نیروهای ضد سوسیالیستی پرمیاه میدهد و حال آنکه حوادث بعدی و فعالیت وسیع نیروهای ضد سوسیالیستی که بمطابع، رادیو ها، تلویزیون و مراکز تسلیحات مجهز بودند نشان داد که این نیروها بیکار نبودند و کمی نمگذاشت که با همین روش سنگرهای دیگری را بدست میآوردند و ای چه بسا پیش از آنکه حزب کمونیست چکوسلواکی به واقعیت پی میبرد امکان اتخاذ هر گونه تصمیم از او سلب میگردد.

این وضع بحق بر نگرانی کشورهای سوسیالیستی دمبدم میافزود و در برابر تردید و عدم قاطعیتی که رهبری حزب کمونیست و دولت چکوسلواکی حتی پس از کنفرانس براتیسلاوا از خود نشان دادند برای اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی راه

دیگری جز اقدام مستقیم برای کمک به خلق های چکوسلواکی، طبقه کارگر و عموم زحمتکشان آن کشور بمنظور حمایت و حراست از نظام سوسیالیستی و دستاوردهای آن، برای حفظ امنیت و تمامیت جامعه سوسیالیستی در برابر دشمن طبقاتی داخلی و امپریالیسم، وجود نداشت.

نظر بهمین جهات و بر مبنای فاکتهای غیر قابل انکار حزب ما لحظه ای هم در تأیید کامل و پشتیبانی از عمل پنج کشور سوسیالیستی در چکوسلواکی تردید نکرد و هیئت دبیران کمیته مرکزی بنا بر وظیفه خود از همان آغاز موضع حزب توده ایران را که ناشی از خصصت عمیقاً انترناسیونالیستی آنست ضمن اسنادی که انتشار داد روشن ساخت. چنانکه اسناد منتشره (موضع گیری هیئت دبیران و اعلامیه هایی که از جانب کمیته مرکزی در دوم و هفتم شهریور ماه ۱۳۴۷ صادر گردیده است) حکایت میکنند حزب ما ورود ارتشهای پنج کشور پیمان ورشورا بچکوسلواکی بمشابه اقدامی در جهت اجراء وظیفه انترناسیونالیستی، برای دفاع از سوسیالیسم و دستاوردهای آن در چکوسلواکی، ارزیابی نموده است.

این مسئله که موضع گیری رهبری حزب مورد پشتیبانی کامل سازمانهای حزبی ما چه در ایران، چه در مهاجرت و چه در کشورهای اروپای غربی واقع شده و اکثریت قریب باتفاق همه افراد حزب ما آنرا تأیید نموده اند نه تنها نشان دهنده صحت موضع حزب است بلکه بویژه حاکی از رشد آگاهی طبقاتی و ایمان انترناسیونالیستی اعضای حزب ماست. در واقع تحلیل و درک صحیح حوادث

چکوسلواکی جز در مقطع مبارزه طبقاتی و انترناسیونالیسم پرولتری میسر نیست. تضاد عمده جهان معاصر تضاد بین سرمایه داری امپریالیستی و سوسیالیسم است و بنا بر این مبارزه طبقاتی در مقیاس جهانی بطور عمده بین این دو نیرو انجام میگردد و مسئله تناسب نیروها در مقیاس بین المللی فرع بر چگونگی پیشرفت این مبارزه است. بنا بر این پیروزی سوسیالیسم در هر کشور تنها پیروزی مبارزه طبقه کارگر آن کشور علیه سرمایه داری داخلی نیست بلکه پیروزی مجموع پرولتریای بین المللی علیه امپریالیسم در مقیاس جهانی است. کشورهای سوسیالیستی و در مرکز آنها کشور نیرومند اتحاد جماهیر شوروی مهمترین و قطعی ترین عوامل این مبارزه در صحنه جهان معاصرند و بهمین سبب است که جهت اساسی استراتژی امپریالیستی و در پیشاپیش همه آنها امپریالیسم امریکا معضوف باین کشورها و در مرحله اول متوجه اتحاد جماهیر شوروی بزرگترین و نیرومندترین آنهاست. امپریالیسم بانحاء مختلفه میکوشد تا پیشرفت سوسیالیسم را در سراسر جهان متوقف سازد، سیر طبیعی تاریخ معاصر را منحرف

کند و جهان را بقتلرا بکشاند. بدینمنظور از هیچ اقدامی برای تضعیف کشورهایی که سوسیالیسم در آنها پیروز شده است، از هیچ عملی برای جدا ساختن آنها از جامعه کشور های سوسیالیستی و از سوسیالیسم فروگذار نمیکند. اصول پیکار طبقاتی بوی حکم میکند که نخست عمده نیروی خود را صرف تضعیف و تخریب عوامل مقدم جبهه پرولتری نماید تا سپس بتواند در سراسر جبهه بحمله و هجوم بپردازد. امپریالیسم بخوبی میداند که حمله جبهه ای بمواضع سوسیالیسم مستلزم برافروختن نائرة جنگ جهانی است که با توجه به نیروی عظیم نظامی، فنی و علمی اتحاد جماهیر شوروی مالا جز انهدام قطعی امپریالیسم و سرمایه داری نتیجه دیگری نخواهد داد.

بهمین سبب تا کنیک امپریالیسم رخنه تدریجی در کشورهای سوسیالیستی، تقویت عناصر ضد سوسیالیستی و ضد انقلابی، تهییج احساسات ناسیونالیستی و ضد شوروی، کوشش در ایجاد تفرقه و نفاق در میان اعضای جامعه سوسیالیستی و جدا ساختن تدریجی آنها از سیستم جهانی سوسیالیسم بوسیله عوامل داخلی ضد سوسیالیستی همان کشور و در صورت امکان بوسیله کودتای ضد انقلابی است. چنانکه تجربه مجارستان در سال ۱۹۵۶ و تجربه چکوسلواکی در جریان هفت ماه سال جاری نشان داد امپریالیسم و عمل آن از کوچکترین اشتباهات بمنظور تهییج احساسات مردم و برانگیختن آنها علیه حزب طبقه کارگر یعنی حزب کمونیست استفاده میکنند و تحت شعار های استقلال و دموکراسی و اصلاحات اقتصادی میکوشند نظر مردم را از سوسیالیسم و جامعه کشور های سوسیالیستی منحرف ساخته آنها را در جهت تضعیف حزب کمونیست و تلاشی سازمان های آن تجهیز کنند و رفته رفته وسائل فراهم نمایند که اختیارات دولتی از دست کمونیستها خارج شده بعناصر ضدسوسیالیسم منتقل گردد و راه را برای استقرار مجدد رژیم سرمایه داری هموار سازند.

این تا کنیک ضد انقلاب از راه خزش آرام و از طریق سایش و فرسایش تدریجی ایده نولوژیک در کشورهای سوسیالیستی و باصطلاح «دمونتاژ» یا اوراق کردن تدریجی سوسیالیسم یکی از شیوه های امروزی امپریالیسم در کشورهای سوسیالیستی است. امپریالیسم بنا بر تجربه مجارستان باین نتیجه رسیده است که حمله فروتنال و جبهه ای بمواضع سوسیالیسم و حزب کمونیست کشور های سوسیالیستی جز تا کامی نمره ای ندارد بهمین جهت چنانکه در جریان اوضاع چکوسلواکی مشهود گردید این راه را با کمال احتیاط مرحله بمرحله و حتی تحت شعار های ظاهر بسند بدون شتاب و با برد بازی میبماید. حوادث چکوسلواکی طی هفت ماه سال جاری مراحل مختلفه این خزش آرام را نشان داد. در مرحله اول صحبت از دموکراسی تیزه کردن زندگی حزبی و اجتماعی بود، سپس مسئله بیرون ریختن کادرهای سابقه دار حزبی بیش آمد، پس از آن مسئله سیاست خارجی دولت مطرح گردید، همبستگی با

اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و عضویت در پیمان ورشو تحت علامت سؤال قرار گرفت آنگاه اصول اساسی مارکسیسم-لنینیسم در سیاست و اقتصاد باد انتقاد گرفته شد، سپس اختیارات رهبری حزب کمونیست بمیان کشنده شد و رفته رفته بانجا رسید که احزاب ضد سوسیالیستی و سازمانهای ضد انقلابی رسماً و علناً سلب قدرت از حزب کمونیست و بیرون راندن او از حکومت و حتی انحلال حزب کمونیست را مطرح ساختند. صحیح است که اشتباهات رهبری گذشته حزب کمونیست و شیوه های بوروکراتیک و غیر لنینی آن در وخامت اوضاع اقتصادی و سیاسی کشور و باین آمدن سطح ایده نولوژیک توده ها تأثیر فراوان داشته ولی از سوی دیگر نباید فراموش کرد که اتخاذ شیوه های لیبرال منشانه رهبری جدید حزب کمونیست چکوسلواکی و اتحاد آن با عناصر اپورتونیست و رویزیونیست بمنظور سرکوب مخالفان درون حزبی، کم بها دادن به نیروهای ضد انقلابی و برخنه تدریجی عمل امپریالیسم، دادن امتیازات بی دریغی به عناصر راست و عدم مقابله با اقدامات ضد سوسیالیستی و برخورد سازشکارانه با آن خود در چیره شدن عوامل ضد انقلابی و تضعیف حزب کمونیست نقش مهمی ایفا نموده است.

رهبری حزب کمونیست بشعار «دمو کراتیزاسیون» دلخوش داشت و گمان میکرد با دادن امتیازات بی دریغی به جناح راست وعناصر رویزیونیست وجاهت ملی برای خود کسب میکند، در حالیکه نیروهای ضد انقلاب نه بخاطر دموکراسی بلکه برای استفاده از شعار دموکراتیزاسیون در جهت هدفهای خود، مبارزه میکردند و اگر تا حدی جانب رهبری جدید حزب را نگاه میداشتند برای آن بود که بسیاری از خواستههای خود را بوسیله او بطور غیر مستقیم بدست میآوردند. بنا بر این واضح است که اتحاد شوروی و سایر کشورهای هم پیمان وی که با وجود تندکرات و هشدار باشعاری مکرر خود مسامحه و ناتوانی رهبری حزب کمونیست چکوسلواکی را در مقابله با ضد انقلاب میدیدند و وسعت فعالیت و مواضعی را که ضد انقلاب رفته رفته بدست آورده بود مشاهده میکردند نمیتوانستند مانند ناظر بیطرفی بشینند و اضمحلال سوسیالیسم را در جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی بنا همه اهمیت بزرگ صنعتی و استراتژیک از دور تماشا کنند. اگر چنین عمل میکردند نه تنها بوظیفه طبقاتی و انترناسیونالیستی خود پشت پا زده بودند بلکه مجموعه جهان سوسیالیستی را دچار چنان شکست بیسابقه ای در برابر امپریالیسم میکردند که آثار بشار آئینده آن بر مراتب از چهار دیوار چکوسلواکی تجاوز میکرد. لنین میگوید: «عناصر ضد انقلابی دشمنان شرور زحمتکشاند، زیرک، دانای، با تجربه اند، با صبر و حوصانه تمام منتظر لحظه متناسبند تا توطئه ای برانگیزند. نسبت باین دشمنان حتی میان کمونیستها کسانی هستند که

### گزارش هیئت دبیران به هیئت اجرائیه در باره موضع حزب ما در مورد حوادث چکوسلواکی

حوادث چکوسلواکی را صرفاً از لحاظ صوری مورد توجه قرار میدهند. آنها در این مورد مسائلی از قبیل حاکمیت دولت چکوسلواکی، مسئله حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود، استقلال احزاب کمونیستی و کارگری و غیره را بیش میکشند و باستناد اینکه دولت و حزب چکوسلواکی خود چنین تقاضائی از دولت پیمان ورشو نکرده است اقدام پنج دولت سوسیالیستی را بیشایه نقض حاکمیت آن دولت و دخالت در امور داخلی آن تلقی میکنند.

چنین کسانی توجه باین نکته مهم ندارند که اگر ضد انقلاب در چکوسلواکی پیروز میشد و نظام سوسیالیستی بر مافتاد دیگر از استقلال چکوسلواکی و از حاکمیت خلق سخنی در میان نبود. چکوسلواکی غیر سوسیالیستی در حد اکثر دارای همان استقلالی میشد که امروز کشور هائی نظیر پرتغال و یونان در کادر منافع امپریالیستی از آن برخوردارند. تاریخ نشاندهنده است که استقلال واقعی چکوسلواکی فقط با استقرار قدرت سوسیالیستی امکان پذیر گردیده است. از این گذشته برای کمونیستها مسئله استقلال و حاکمیت ملی، مسئله حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت و خلاصه کلیه مسائل مربوط بملت و حاکمیت در مقطع مبارزه طبقاتی مطرح است نه بطور مطلق. کمونیستها بحق عقیده دارند که حاکمیت واقعی خلق، استقلال ملی و آزادی تعیین سرنوشت خلق‌ها هنگامی بمعنای واقعی تأمین میگردد که انقلاب اجتماعی پیروز شده و حاکمیت خلق یعنی حاکمیت مردم زحمتکش، حاکمیت اکثریت خلق استقرار یافته باشد استقلال ملی، حاکمیت دموکراسی و حقوق ملی در حکومت بورژوائی فقط مفاهیمی هستند که بنفع اقلیت حاکمه تمام میشوند و چنانکه تجربیات تاریخی مکرر نشان داده اند آنگاه که مصالح طبقاتی ایجاب کند همه این مفاهیم زیر پا گذارده میشوند. بعلاوه در اوضاع و احوال کنونی، در عصری که سرنوشت تمام بشریت مترقی وابسته به نتیجه مبارزه ایست که در مقیاس جهانی بین نیروهای سوسیالیسم و امپریالیسم درگیر است، مسئله چکوسلواکی یا هر دولت سوسیالیستی دیگر یک مسئله صرفاً داخلی نیست بلکه مسئله ایست که با مجموع پروسه انقلابی جهان با تمام گیر و دار این مبارزه عظیم طبقاتی بستگی دارد. لذا طرح آن در زاویه صرفاً داخلی و ملی و استناد جستن به مسائل صوری و ظاهری اگر مقصود دلیل تراشی نباشد یا نشانه عدم آگاهی بمسائل اساسی سیاسی است و یا حکایت از ضعف جنبه پیکار جویی طبقاتی است.

کمونیستها عقیده به صدور انقلاب ندارند ولی موظفند با صدور ضد انقلاب بهر شکل و شمابلی که بروز کند شدیداً و قویاً مبارزه کنند. کشورهای سوسیالیستی و در مرکز

انها اتحاد جماهیر شوروی نمیتواند و حق ندارد مانند ناظر بیطرفی تماشاگر صحنه‌های صدور ضد انقلاب آنهم در کشوری سوسیالیستی باشند و هیچ واکنش جدی از خود بروز ندهند.

مسئولیت تاریخی قصور و اهمال در جلوگیری از صدور ضد انقلاب بعدی است که کشورهای سوسیالیستی ناگزیرند بهنگام ضرورت حتی از کلیه حدود صوری و ظاهری بگذرند و بکمک خلق برادر، بکمک زحمتکشان کشوری بشنابند که مورد هجوم و حمله عناصر ضد سوسیالیستی داخلی و عمل توطئه گر امپریالیستی قرار گرفته اند. این حکم تاریخ است، این ضرورت مبارزه طبقاتی است، این برخورد انقلابی بمسائل سیاسی است.

پنا بر این واضح است که ورود ارتش های ۵ کشور پیمان ورشو به چکوسلواکی نه تنها نقض حاکمیت و استقلال چکوسلواکی نیست بلکه درست بمنظور حمایت از استقلال و حاکمیت خلق بمنظور نگاهداری و تحکیم سوسیالیسم در چکوسلواکی انجام گردیده است. این مداخله در امور داخلی چکوسلواکی نیست بلکه واکنش علیه مداخله امپریالیسم و عوامل ضد انقلابی در امور داخلی خلق چکوسلواکی است. بهترین دلیل صحت این نظر کامیانی تبلیغاتی و هیستری ضد شوروی ای است که دستکاههای تبلیغی کشورهای سرمایه داری و محافل امپریالیستی براه انداخته اند. مطبوعات، تلویزیونها، رادیوها و محافل رسمی کشورهای سرمایه داری که در باره تجاوزات فجیع امپریالیستی و از آنجمله بمبارانهای وحشیانه و کشتار دسته جمعی مردم در ویت نام روش تأیید یا خاموشی اختیار نموده اند و یا در گوشه و کنار بعضی تذکرات «دوستانه» اکتفا میکنند در این جریان بزرگترین کامیانی را براه انداختند و برای دموکراسی و حتی سوسیالیسم و حزب کمونیست چکوسلواکی اشکها ریختند، میتینگ‌ها و اعتراضات برپا کردند، اکثریت صفحات روزنامه‌ها و گفتارهای رادیویی و تلویزیونی خود را صرف حوادث چکوسلواکی و غصه خوری برای «سوسیالیسم دموکراتیک» چکوسلواکی، که گویا با اعمال ارتشهای ۵ کشور سوسیالیستی گردیده است نمودند. چرا؟ چه شده است که این محافل سرمایه داری یکباره به ماتم سوسیالیسم نشسته اند و دلشان از غم ریش شده، برای حزب کمونیست چکوسلواکی سینه چاک میکنند؟ سرمایه داران آلمان غربی را چه شده است که مدال طلای دوبچک دبیر حزب کمونیست چکوسلواکی را میسازند و در همه جا خرید آنرا در جنب تمثال موشه دایان و آدانوئر تشویق میکنند؟ امپریالیست های آمریکا و انگلیس که اینهمه جنایات ضد حقوق خلقها و استقلال ملتها در سیاهه

اعمال خود دارند چطور یکمرتبه شیفته استقلال و آزادی چکوسلواکی، عاشق دموکراسی و سوسیالیسم شده اند؟

در واقع این جنجال و غوغا را امپریالیسم و سخن گویان تبلیغاتی وی نه بخاطر دموکراسی و استقلال چکوسلواکی بلکه برای عدم موفقیت در نقشه های ارتجاعی و امپریالیستی خود بپا کرده اند. اینان برای شکست خود اشک میریزند و باآرزوهای بر باد رفته‌ی خوش میگردند. اکنون اینان میکوشند بنا کارزار تبلیغی خود نه تنها شکست خود را پنهان نمایند بلکه حد اکثر استفاده را برای بی اعتبار ساختن سوسیالیسم بنمایند، توجه توده های مردم جهان را از جنایات فجیع خود در ویت نام، در امریکای لاتین، در آفریقا و آسیا، منحرف ساخته تأثیر منفی سیاست تجاوز کارانه و گاندکستریسم سیاسی امپریالیسم آمریکا و قتل عام سیاه پوستان امریکائی را با این شیوه ها خنثی نمایند. امپریالیسم و ارتجاع بین المللی عدم رضایت آشکار خود را از اینکه ارتشهای اتحاد جماهیر شوروی و چهار کشور سوسیالیستی دیگر نه بصورت اشغالگر بلکه بصورت دوست و یار متحد مردم چکوسلواکی وارد سرزمین چکوسلواکی شده اند ابراز میدارند. آنها از شیوه‌ی خردمندانه و رفتار دوستانه‌ی نیروهای پنج کشور سوسیالیستی متأسفند. از اینکه خونریزی انجام نشده، در رهبری حزب و دولت تغییر داده نشده، در برنامه‌ی اصلاحی حزب و دولت چکوسلواکی مداخله‌ای نشده، از اینکه موافقت نامه‌های مسکو امضاء گردیده است سخت ناخرسندند زیرا بدیبطریق هدف تبلیغاتی آنها که عبارت از یکسان جاوه دادن سیاست کشورهای سوسیالیستی و دولت های امپریالیستی است بستگ خورده است و دیگر دشوار است که منظور واقعی اقدامات دولت سوسیالیستی را در مورد مقابله با تحریکات امپریالیستی در چکوسلواکی از انظار مردم جهان مستور داشت.

در این کامیانی تبلیغاتی علیه اتحاد شوروی و چهار دولت دیگر سوسیالیستی منحرفین چه نمای جنبش کمونیستی و کارگری یعنی ماؤتیست‌ها و هواداران آنها نیز با نغمه های گوشخراش امپریالیسم و ارتجاع بین المللی و روزیونیست‌ها هماهنگ شده اند. آنچه غرض ورزی و عدم اصولیت ماؤتیسم و جنبه های صرفاً ضد شوروی آنرا کاملاً آشکار میسازد همانا موضعی است که آنان در مورد حوادث چکوسلواکی اتخاذ نموده اند. در حالیکه ماؤتسه تونگ و هوادارانش تا همین اواخر مدعی بودند که گویا سرکوب ضد انقلاب در مجارستان بنا به اشاره و تلقین ماؤتسه تونگ انجام شده و همین امر را یکی از دلائل عدم قاطعیت اتحاد شوروی و باصطلاح انحراف روزیونیستی رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی قلمداد میکردند، اکنون که اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی دیگر برای جلوگیری از چیره شدن ضد انقلاب بر اوضاع چکوسلواکی دست با اقدام قاطع زده اند آنرا بیشایه مداخله در امور

داخلی چکوسلواکی، نقض حاکمیت آن کشور و بمنزله تحویل بحزب کمونیست و دولت چکوسلواکی ارزیابی میکنند و در دشنام و ناسزا نسبت به اتحاد شوروی و چهار کشور دیگر سوسیالیستی دست امپریالیسم و ارتجاع را به پشت بسته اند، زمامداران چین باین اکتفا نکرده حتی رسماً حزب قهرمان زحمتکشان ویت نام را که از اقدام ه کشور سوسیالیستی در چکوسلواکی پشتیبانی نموده است، مورد حمله قرار داده و چون لای علامه مدعی شده است که ویتنام با تأیید خود گویا «همدست روزیونیستها» شده است. روش زمامداران و رهبران ماؤتیسم نشان داد که اپورتونیسم چپ و راست، دکماتیسیم و روزیونیسم، در نهضت کارگری دو طرف یک مدالند و در مواقع حساس، آنجا که سخن بر سر عمل قاطع انقلابی است، بیکدیگر میپوندند.

اپورتونیست های راست اتحاد شوروی و چهار کشور سوسیالیستی دیگر را متهم میکنند که گویا آنها با اقدامات خود قصد جلوگیری از پیشرفت دموکراسی در چکوسلواکی داشته اند. در واقع آنچه آنان دموکراسی میخوانند بهیچوجه یا دموکراسی سوسیالیستی وجه مشابهتی ندارد. آنها دموکراسی سوسیالیستی را که مبتنی بر اصل مرکزیت، رهبری حزب طبقه کارگر و اعمال دیکتاتوری پرولتاریا است با دموکراسی بورژوائی اشتباه میکنند و در واقع نقش رهبری کننده پرولتاریا را در انقلاب و اصل مارکسیستی - لنینیستی دیکتاتوری پرولتاریا را نفی میکنند. در کلیه ملاقاتها و مذاکراتی که از ژانویه ۱۹۶۸ بین رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی و رهبری حزب کمونیست چکوسلواکی انجام گرفت همواره این نکات تذکر داده شده است که اولاً حزب کمونیست اتحاد شوروی تصمیمات حزب کمونیست چکوسلواکی را برای رفع اشتباهات گذشته و بهبود اوضاع در کلیه زمینه های اجتماعی و رشد دموکراسی سوسیالیستی با تقاضا تلقی میکند، ثانیاً اجراء موفقیت آمیز این تصمیمات منوط است باعمال واقعی نقش رهبری کننده‌ی حزب کمونیست و تسلط کامل آن بر جریان حوادث، مقابله با اعمال خرابکارانه‌ی عمال ضد انقلابی و ضد سوسیالیستی که میخواهند حزب کمونیست را تضعیف نموده بتدریج چکوسلواکی را از جامعه کشورهای سوسیالیستی دور سازند. ثالثاً کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی حفظ و حراست سوسیالیسم و دستاوردهای سوسیالیستی را در چکوسلواکی سرنوشت دولت چکوسلواکی را بعنوان یک دولت سوسیالیستی یک امر داخلی حزب کمونیست چکوسلواکی نمیدانند و آنرا مسئله‌ی مربوط بهمه کشورهای سوسیالیستی و همه نهضت کمونیستی و کارگری تلقی میکنند و بهمین جهت وظیفه‌ی اثرنا سوسیالیستی خود میدانند که با تمام قوا به تحکیم حزب کمونیست چکوسلواکی و مواضع سوسیالیستی در چکوسلواکی کمک نماید. حوادث بعدی و موافقت نامه های مسکو نشان داد که هدف

### کمیته های حزبی بفعالیات خود

ادامه میدهند

شعله آتش بر سر مرتفعترین قله های شهر تهران ، شب دهم مهر ماه ، جشن بیست و هفتمین سال تأسیس حزب توده ایران را اعلام نمود ، در کنار شعله ای که بر بالای تویچال افروخته شده بود ، پلاکاتی قرار داشت که روی آن نوشته شده بود :

«خجسته باد بیست و هفتمین سال تأسیس حزب توده ایران . روز دهم مهر ترا کتهائی در تهران و شهرستانها پخش شد و جشن مهرگان را بزحمتکشان ایران تبریک گفت و شعار های حزب را اطلاع مردم رساند . فعالین حزبی در خیابان امیریه زو بروی راه آهن شعار بزرگی را از سیهای برق آویزان کرده بودند که بیست و هفتمین سالگرد حزب را اعلام مینمود .

شعله آتش ، پلاکاتها و ترا کتها ، قلبها را گرم میکنند ، ایمن به مبارزه و پیروزی را مسافرانند و به زحمتکشان و خلقهای ایران در پیکار خود الهام مبخشند .

نگاهی بضمیمه مردم ارگان تشکیلات تهران

ضمیمه مردم در شماره مهر ماه خود مینویسد :

« جشن مهرگان ، جشن توده هاست ، جشن پیروزی کاوه آهنگر بر ضحاک ستمگر ، در این روز حزب توده ایران ، حزب طبقه کارگر ایران با برعه وجود نهاد و باز درفش کاویانی با دستهای کارگران و دهقانان و همه زحمتکشان ایران بر افراشته شد . تشکیلات تهران بیست و هفتمین سالگرد تأسیس حزب را به کمیته مرکزی و رفقای حزبی و هموطنان عزیز تبریک میگوید ، بخون شهدای حزب و پامردی رفقاییکه در زندانها و تبعیدگاهها در بندند سوگند که برای نیل به هدف های صلح و استقلال ملی و دمکراسی و ترقی و رفاه عمومی صمیمانه مبارزه کرده و در این راه از ایثار جان خود نیز مضایقه نکنیم ، فرخنده باد بیست و هفتمین سالگرد حزب توده ایران . درود به زندانیان قهرمان ، توده ای ، پرورین حکمت جو ، علی خاوری ، صابر محمد زاده و اصطفی رزم دیده ... »

ضمیمه مردم مقاله جالبی درباره وضع فرهنگی و آموزشی کشور نوشته ، با تشریح دردها را بجا رایشان داده و بوجی باصطلاح انقلاب فرهنگی شاه را با ارقام و شواهد ثابت کرده است . این مقاله را رادیوی بیگ ایران پخش نموده است . در ستونهای دیگر روزنامه راجع بحوادث چکوسلواکی و نقطه نظر سازمان حزبی ما در تهران ، اخبار کارگران ، فاجعه زلزله خراسان و فن مبارزه با پلیس و سازماندهی مخفی ، مطالب آموزنده و مفیدی چاپ شده است . ضمیمه مردم که در شرایط اختناق پلیسی منتشر میشود تنها روزنامه ای است در تهران که به دلخواه از منافع زحمتکشان دفاع میکند و راه مبارزه را نشان میدهد . دستهای توانای

دنباله از صفحه ۴

### گزارش در مورد حوادث چکوسلواکی

ورود ارتشهای پنج کشور سوسیالیستی درست در جهت اجراء همین اصول بوده است و بس . برخی از محافل ارتجاعی بین المللی و همچنین عده ای از منخرین راست و روز نویسند چنین ادعا میکنند که گویا اقدام دولت اتحاد جماهیر شوروی و چهار دولت دیگر سوسیالیستی در چکوسلواکی نشانه ای بایان یافتن همزیستی مسالمت آمیز و بازگشت به مواضعی است که این محافل آنرا بنام نئو استالینسم نامیده اند . صرف نظر از انگیزه های ضد شوروی و ضد کمونیستی این تبلیغات بویژه از جانب محافل وابسته با امپریالیسم و ارتجاع بین المللی و جناح راست سوسیال دمو کراسی ، ابراز چنین نظریاتی در درون نهضت بین المللی کمونیستی و کارگری حاکی از درک نادرست سیاست همزیستی مسالمت آمیز است . در واقع چنانکه در اعلامیه ۱۹۶۰ نیز تصریح شده ، سیاست همزیستی مسالمت آمیز که ناشی از اصول اساسی لنینیسم است ؛ نوع عالی مبارزه طبقاتی در مقیاس بین المللی است و بهیچوجه با مفهوم سازشکارانه ای که برخی از منخرین راست از آن درک نموده اند و تبلیغات مخرب و مغرضانه ای مائوئیستی بان دامن زده است ارتباطی ندارد . مائوئیسم مدعی است که گویا بین اتحاد شوروی و امریکا بر سر مسائل بین المللی سازشی انجام یافته است و سیاست همزیستی مسالمت آمیز فقط وسیله ای برای پوشش این سازش است . منخرین راست نهضت کارگری نیز سیاست همزیستی مسالمت آمیز را به یک نوع دمساز نمودن سوسیالیسم با سرمایه ، نوعی سازش با مواضع امپریالیستی و ارتجاعی و مسکوت گذاردن مبارزه طبقاتی تعبیر کرده اند و به همین سبب است که اقدامات دولت اتحاد شوروی و چهار کشور سوسیالیستی در چکوسلواکی صادق ترین آنها را دچار حیرت و سرگیجه نموده است و وسیله ای بدست سر جنبانان ارتجاعی ناسیونالیست های ملیس بلیاس کمونیسم داده است تا به از کستر ضد شوروی محافل امپریالیستی و ارتجاعی و مائوئیستها به یونند و از این راه بکوشند تا سیاست سازشکارانه خود را موجه جلوه دهند .

حزب ما چنانکه بارها در اسناد مختلفی خود متذکر شده است بهیچوجه با چنین تعبیری از سیاست همزیستی مسالمت آمیز موافق نیست و چنین نظریات را انحراف مسلمی از مواضع مارکسیسم - لنینیسم میشمارد . ما سیاست مسالمت آمیز را نه تنها بمعنای نفی مبارزه طبقاتی چه در داخل یک کشور و چه در مقیاس بین المللی نمیدانیم بلکه بعکس اعمال کارگران و زحمتکشان تهران درفش کاویانی را بالا نگه داشته اند ، این پرچم راه درازی را پیچیده است ، هزاران بار آماج تیرهای زهر آگین دشمن قرار گرفته است ، ولی همچنان در اهتزاز است و تا پیروزی نهائی این پرچم مبارزه در اهتزاز خواهد ماند . درود برفقای قهرمان تهران

دنباله از صفحه ۴

صحیح آن سیاست را وسیله نیرومندی برای پیشرفت سوسیالیسم در صحنه بین المللی میشماریم . کمونیستهای واقعی هیچگاه سیاست همزیستی مسالمت آمیز یعنی سیاست درستی که هدف آن بجلو راندن سوسیالیسم و عقب راندن امپریالیسم در مقیاس بین المللی ، در عین کوشش همه جانبه برای حفظ صلح و جلوگیری از جنگ ، در عین داشتن مناسبات عادی اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی با جهان سرمایه داری است ، با سازش و دمساز شدن با مواضع سرمایه داری امپریالیستی ، با انصراف از مواضع طبقاتی و سر باز زدن از حفظ مواضع سوسیالیستی و دستاورد های انقلابی اشتباه نمیکند . سیاست لنینی همزیستی مسالمت آمیز زاده ای انقلاب سوسیالیستی و تشکیل جامعه نوین سوسیالیستی است یعنی جامعه ای که باید بحکم ضرورت تا هنگامیکه هنوز امپریالیسم بر قسمت های مهمی از جهان تسلط دارد ، در جنب جوامع سرمایه داری زیست نماید ، سوسیالیسم را از دستبرد امپریالیسم حفظ کند ، در بسط تاثیر و پیشرفت آن در جهان بکوشد . بنابراین پایه ای اساسی این سیاست حفظ و حراست سوسیالیسم از دستبرد سرمایه داری و پیش راندن سوسیالیسم در شرایط نگاهداری صلح است و لذا نمیتواند بمعنای سازش و سکوت در برابر امپریالیسم و ازدست دادن مواضع سوسیالیسم ، تعلل و مسامحه در مقابله با تحریکات امپریالیستی باسیف ماندن در برابر صدور ضد انقلاب یا بعبارت دیگر نفی مبارزه طبقاتی در مقیاس بین المللی باشد .

چنانکه ملاحظه میشود موضع حزب ما در مورد حوادث چکوسلواکی بهیچوجه مبتنی بر این یا آن مصلحت مشخص روز نیست و بر خلاف آنچه مخالفان حزب ما ادعا میکنند نه بر اساس دنباله روی و نه بر پایه ملاحظات معینی نسبت باین حزب یا آن دولت سوسیالیستی است بلکه ناشی از اصولیت حزب ما و تحلیل عمیق اوضاع سیاسی جهان معاصر و وفاداری حزب ما با اصول انقلابی و انترناسیونالیسم پرولتاری است .

حزب ما چنانکه در اعلامیه دوم شهریور گفته شده است « با احساس مسئولیت کامل دنباله از صفحه ۴  
موج بی آرام ترور و فشار  
اخراج شده اند . از این عده برخی به سر باز خانه ها اعزام و بعضی زندانی اند . دوفتر از استادان دانشگاه پهلوی شیراز نیز آقایان دکتر زریک زاده و دکتر پناهی زندانی و شکنجه شده اند . ترور و فشار نه تنها در داخل کشور بلکه بخارج از کشور نیز دامن کشیده است . سازمان امنیت شاه از دولت اتریش خواسته است تا عده ای از دانشجویان ایرانی را که باصطلاح « ناراحت » تشخیص داده شده اند از اتریش اخراج نماید . بطوریکه مشاهده میشود گروههای مختلف زندانیان سیاسی دارای عقاید گوناگون سیاسی هستند ولی حزب توده ایران طبق سنت خود وظیفه خویش میدانند که از کلیه کسانی که مورد تعرض و هجوم رژیم هستند دفاع کند و بدینجهت کمیته مرکزی

دنباله از صفحه ۱

### کنفرانس بین المللی احزاب

#### کمونیست و کارگری

در ماه مه تشکیل خواهد شد

موافقت نمودند که اجلاس آینده کمیسیون تدارکی روز ۱۷ مارس ۱۹۶۹ در شهر مسکو تشکیل گردد تا طرحهای اسناد کنفرانس را مورد مطالعه قرار دهد و تصمیمات لازمه درباره مسائل سازمانی کنفرانس اتخاذ نموده تاریخ دقیق کنفرانس را تعیین نماید .

۳- جلسه تدارکی گروه کار را مأمور نمود که طرح اسناد کنفرانس را آماده سازد .

۴- جلسه تدارکی اعلامیه ای درباره ویت نام و اسنادی علیه کشتار کمونیستها و سایر مردم دمو کرات در اندونزی و علیه تضيیقات ضد دمو کراتیک در برخی از کشورهای امریکای لاتین صادر نمود و نیز سندی دائر باعتراف علیه محکومیت آگوس پانا گولیس در یونان تصویب کرد .

۵- هشت های نمایندگی کلیه احزاب حاضر در جلسه مراتب سیاستگذاری عمیق خود را نسبت بحزب سوسیالیست کارگری مجارستان در مورد زحمات ارزشمندی که برای تشکیل و سازمان دادن امور جلسات مشاوره و کمیسیون های تدارکی انجام داده و پذیرائی برادرانه ای که از نمایندگان احزاب نموده اند ابراز داشتند و بمناسبت برگزاری مراسم جشن پنجاهمین سالگرد حزب کمونیست مجارستان ضمیمه تیرین درود ها را باضواء حزب سوسیالیست کارگری مجارستان ، ادامه دهنده حزب کمونیست آن کشور و ملت مجار تقدیم داشته موفقیت های هرچه بیشتری را برای آن حزب برادر آرزو نمودند .

و درک اهمیت ، فوریت و ضرورت این اقدام پشتیبانی قاطع خود را از آن اعلام داشته است . بقی است با توجه به همین اصول اقدامات هیئت دبیران در این باره مورد موافقت و تأیید کامل هیئت اجراییه واقع خواهد گردید .

حزب توده ایران طی نامه ای که متن آن در همین شماره « مردم » درج گردیده ، از کلیه سازمانهای دمو کراتیک و عناصر مترقی در سراسر جهان خواسته است تا صدای اعتراض خود را علیه جنایات رژیم بلند کند . در این میان کمیته های دفاع از زندانیان سیاسی و نیز سازمانهای مترقی دانشجویی در خارج از کشور ، وظیفه درجه اول را بر عهده دارند . باید بدون درنگ همه نیروها را در دفاع از زندانیان سیاسی و از جمله دانشجویانی که حیاتشان در خطر است تجهیز نمود و به صحنه مبارزه کشید . باید چهرة مستبد شاه را به جهانیان نشان داد ، باید آدم کشی های اخیر را بیش از پیش افشاند ، نباید گذاشت کسی که دستش تا مرفق بخون آزادگان آلوده است ، ساوانه پرچم دفاع از حقوق بشر را در دست گیرد . مبارزان دلیری که اسیر دست درخیم اند از ما طلب یآوری دارند . میو

دنباله از صفحه ۱

### چرا شاه و فیصل و امیر کویت بهم نزدیک میشوند

فیصل ساخته اند زیرا این فیصل بود که در جریان تشکیل فدراسیون خلیج که ایران نیز برای خود در آن نقشی قائل است شرکت جست. شاه از این جریان ابراز رنجش کرد و از ملاقات محمود خوشی با فیصل خودداری ورزید. از این دوران نوعی کشش و کشمکش گاه پنهان و گاه آشکار بین شاه ازسوی و فیصل و نیرو هائی که از او حمایت میکردند از سوی دیگر پدید گردید. امپریالیستها بسیار مایل بودند که این نیرو ها را که تکیه گاههای جاسدی وی در خاور میانه هستند بهم نزدیک کنند. مجله امریکائی «نیوز ویک» در شماره ۲۵ نوامبر ۱۹۶۸ خود می نویسد: «سیاستمداران امریکا مدتهاست که سه سلطان خاور میانه - ملک حسین از اردن، ملک فیصل از عربستان سعودی و شاه محمد رضا پهلوی از ایران را سده های استانی در مقابل نفوذ شوروی در این ناحیه که از لحاظ نفتی غنی است، تلقی میکنند. بر اساس همین ارزیابی که «نیوز ویک» آنرا صریحاً مطرح میکند امپریالیستها مایل بودند که تناقضاتی را که در بین تکیه گاههای آنها در خاور میانه بروز کرده بود برطرف سازند و به همین منظور فعالیت پس برده طولانی آغاز شد و سرانجام به حوادث اخیر و ملاقات شاه و فیصل و امیر کویت انجامید.

اما برای پاسخ دادن مشخص باین سؤال که بر سر چه مسائل معینی شاه و فیصل و امیر کویت ملاقات کرده و بهم نزدیک شده اند علاوه بر این توجه کلی خوبست به فاکتهای مندرجه در مطبوعات ایران و خارج نظر افکنیم:

کیهان در شماره ۲۹ اکتبر ۱۹۶۸ خود قبل از مسافرت شاه به ریاض و کویت چنین نوشت: «قرار داد ایران و عربستان سعودی در هفته گذشته بین دکتر اقبال رئیس هیئت مدیره شرکت ملی نفت و زکی یمانی وزیر نفت عربستان سعودی به امضاء رسید و باین ترتیب با اختلاف نظری که میان دو کشور وجود داشت پایان داده شد و ضمناً (۴) دست دو کمپانی نفت یان امریکن و آرمکو نیز در کار اکتشاف و استخراج نفت باز گذاشته شد. اخیراً این دو کمپانی که اولی (بان امریکن) عامل دولت ایران و دومی (آرمکو) امتیاز نفت عربستان را در اختیار دارد در کار اکتشاف و استخراج نفت در خلیج فارس بخصوص در حوزه فریدان در نزدیکی دو جزیره قازسی و العربی با مشکلاتی روبرو شدند و فعالیت آنها در آن دو منطقه متوقف شد. این دو کمپانی هر دو امریکائی هستند و از حالا بر اساس این قرار داد فعالیت خود را در این منطقه تجدید میکنند»

در همین شماره کیهان از توافق ایران و عربستان سعودی در باره قبول حاکمیت عربستان سعودی بر جزیره غیر مسکون «العربی» و حاکمیت ایران بر جزیره «فارس» خبر میدهد. این توافق ها که در آستانه رفتن شاه به عربستان سعودی انجام گرفت تا حدودی یکی از «فترت های محرکی» را که در کار نزدیکی شاه و فیصل وجود داشته است روشن میکند. باین توضیح، اظهارات بی بی سی در تاریخ ۱۰ نوامبر روشنی دیگری میافکند. بی بی سی در این تاریخ ضمن گفتاری چنین گفت: «از مدت ها پیش در انگلستان و شرق میانه با علاقه فراوان بانتظار دیدار شاهنشاه ایران و عربستان سعودی و مذاکره با ملک فیصل هستند. این دیدار قرار بود در اوایل سال جاری صورت گیرد و موکول شدن آن به بعد مایه تأسف گردید ولی علت آن قابل درک بود. بسیاری از مردم در انگلستان به نقش ایران و عربستان سعودی در ثبات وضع خلیج فارس پس از خروج قوای انگلستان از این ناحیه اهمیت فراوانی قائلند.

این دو خبر علاقه امپریالیستهای امریکا و انگلستان را به نزدیکی شاه و فیصل و امیر کویت روشن میکند. منافع نفتی خاور میانه، منافع استراتژیک امریکا و انگلستان در عوامل اصلی نزدیکی شاه و فیصل

و امیر کویت است. آنها از پیدایش تناقضاتی که در سالهای اخیر کمابیش در باره یک سلسله مسائل خلیج فارس بین عربستان سعودی و ایران پدید شده بود خرسند نبودند.

بظالمه فاکتها ادامه دهیم:

اطلاعات در سرمقاله خود بهمناسبت سفر شاه به عربستان سعودی مینویسد:

«با توافق در زمینه تعیین خط نصف و حدود قلات قاره اینک هیچگونه مسئله ای در مناسبات ایران و عربستان وجود ندارد و شاهنشاه ایران و ملک فیصل بهنگامی بیکدیگر را ملاقات میکنند که افاق روابط دو کشور مانند آئینه ای صاف و درخشان و مساعد برای فراهم آوردن زمینه های همکاری و تشدید روابط برادری و تحکیم تعلق دو کشور است... در عرصه خلیج با فرا خواننده شدن قوای انگلیس سرنوشته آن به مردم منطقه سپرده میشود. ایران و عربستان دارای منافع حیاتی میباشد که وظیفه حفظ این منافع گذشته از آن مسئولیت حفظ حقوق و منافع امارات و شیخ نشین خلیج را از این پس بایستی رأساً ایفا کنند و این خود مستلزم یک همکاری مصمیمانه است و دو منطقه خلیج»

بدینسان: ۱ - حفظ منافع نفتی امپریالیستها بطور مشخص یان امریکن و آرمکو؛ ۲ - حفظ منافع سوق الجیشی امپریالیستی پس از رفتن قوای انگلیس؛ ۳ - حفظ سیمزله امپریالیستی ها بر امارات خلیج در مقابل نفوذ جنبش ملی ضد امپریالیستی عرب به دو کشور خاور میانه ایران و عربستان سعودی که هیئت های حاکمه آن نزدیکترین روابط را با شرکتهای نفتی امریکا و انگلیس و بطور کلی امپریالیسم دارند و اگذار میشود.

این نزدیکی ضمناً دارای یک جهت چهارمی نیز هست که از جهت فوق اهمیتش کمتر نیست و آن ایجاد یک اتحاد ارتجاعی در خاور میانه علیه نیرو های مترقی جنبش ملی عرب است. مطالعه سخنرانی هائی شاه و فیصل این جهت را نیز بخوبی نشان میدهد. آنها از «مطامع» امپریالیستی دیگران (!) نامبردارند و تفرقه بین خود را زینبش دانسته اند. سخنرانی هر دو شاه مستبد نسبت بیکدیگر سخت تملق آمیزست. شاه در سخنرانی خود در مقابل فیصل گفت:

«به بنیتم از تفرقه ممالک اسلامی تا بحال چه نتیجه ای گرفته اند؟ اگر تجربه گذشته خوب بوده است من حرقی ندارم و اما اگر فکر میکنم که بر اساس تفاهت و نسیان تخیلات و احياناً بر اساس تمایلات خاص نتیجه آن بزیران ممالک مسلمان تمام شده است! آیا وقت آن نرسیده است که در رویه خود تجدید نظر کنیم؟»

در باره اینکه این اتحاد چنانکه گفتیم علیه جنبش عرب و علیه کشور های ضد امپریالیستی عربی است «نیوز ویک» (در شماره ای که از آن یاد کردیم) صریح سخن گفته است. «نیوز ویک» مینویسد: «شاه ایران مانند فیصل هرگز تحریکات ناصر را در ایجاد آشوب در استان نفتخیز خوزستان قزاقوش نمیکند و رئیس جمهوری مصر را خطرناکترین دشمن خویش مینماید. شاه ایران و فیصل بقصد جلوگیری از اشاعه «ناصریسم» در شبه جزیره عربی برای شاه عربستان یمن سلاح و پول ارسال داشتند تا آنها را در نبردشان علیه جمهوریخواهان که مورد حمایت ناصر و مسکو هستند یاری کنند».

بر اثر نفوذ همین نیرو های مترقی و ضد امپریالیستی در کشور های مغرب عربی است که خبرنگار کیهان علی رغم شکوه و جلالتی که در مسافرت اواخر آبانماه شاه بکویت برای وی قائل شده بودند هنوز نوعی نگرانی در دل دارد زیرا مینویسد: «مردم سوئی به مردم ایران وعده نمیدهد بلکه برعکس نتیجه مستقیم آن تقویت مواضع ارتجاعی در خاور میانه است.

عقبتا سیر زمانه در عصر ما در جهت دیگری است. با قرار داد های روی کاغذ، با اجراء مراسم حج و عمره از طرف شاه ایران در مکه (۱) با نقطه های متقابل تعلق آمیز در ریاض و کویت اولاً نمیتوان ماهیت واقعی این بند و بست ها را پوشاند. ثانیاً نمیتوان این کشتی شکسته را بر خلاف وزش عصر ما براه دوری برد.

این نزدیکیها بسود لندن و واشنگتن است و اگر در آن برای هیئت های حاکمه ارتجاعی این کشور ها نیز منافع قائل کردیم، بهتر جهت هیچ سوئی به مردم ایران وعده نمیدهد بلکه برعکس نتیجه مستقیم آن تقویت مواضع ارتجاعی در خاور میانه است.

عقبتا سیر زمانه در عصر ما در جهت دیگری است. با قرار داد های روی کاغذ، با اجراء مراسم حج و عمره از طرف شاه ایران در مکه (۱) با نقطه های متقابل تعلق آمیز در ریاض و کویت اولاً نمیتوان ماهیت واقعی این بند و بست ها را پوشاند. ثانیاً نمیتوان این کشتی شکسته را بر خلاف وزش عصر ما براه دوری برد.

### نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران

دنباله از صفحه ۱

ملا حسن در مهباد بدار آویخته شد  
ملا عبدالله در مهباد بدار آویخته شد  
ملا آوار در مهباد بدار آویخته شد

چنین سرنوشته نیز در انتظار ۲۰۰ نفر از آزادیخواهان کرد و آذربایجانی که در این اواخر در شهر های تبریز، رضائیه، مهباد، آشنویه، نغده، منگور، لاهیجان، بئران و غیره بازداشت شده اند میباشد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه ۸ نوامبر خود علیه این عمل غیر قانونی و وحشیانه مقامات ایرانی شدیداً اعتراض کرده و از تمام احزاب سازمانها و شخصیتهای آزادیخواه و میهن پرست ایران خواستار گردید، علیه این رفتار غیر انسانی حکومت مستبد اعتراض نموده برای نجات زندانیان سیاسی و بویژه بازداشت شدگان کرد و آذربایجانی که هر لحظه خطر مرگ تجعی آنها را تهدید میکند هرچه در قوه دارند بکار برند.

ما مطمئیم که در مقابل چنین جنایاتی نمیتوان سکوت کرد. این جنایات تقض صریح ابتدائی ترین حقوق انسانی و بر خلاف قوانین و آزادیهای مصرحه حتی در قانون اساسی ایران است.

دوستان عزیز باین جهت است که کمیته مرکزی حزب توده ایران مصراجه از شما و از تمام سازمانهای دمکراتیک و آزادیخواهان جهان تقاضا دارد با میهن پرستان و آزادیخواهان ایرانی همبستگی ابراز داشته علیه این رفتار ضد دمکراتیک و غیر انسانی دولت ایران اعتراض نموده و برای آزادی دستگیرشدگان کرد و آذربایجانی و هم چنین کلیه زندانیان سیاسی ایرانی اقدام نماید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران این نامه برای بسیاری از احزاب و سازمانهای دموکراتیک بین المللی بوسیله دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ارسال گردیده است.

کویت... معتقدند که کویت نیز مانند عربستان خواهان همکاری با ایران بخصوص در مسائل مربوط به منطقه خلیج فارس است. با این تفاوت که در لوبت مشکلاتی هم در مسائل همکاری های منطقه ای وجود دارد که چنین مشکلاتی در عربستان نیست. این مشکلات را باید به نفوذ بیشتر نیرو های ضد امپریالیستی عرب در کویت نسبت به عربستان سعودی مربوط دانست و بیان مخبر کیهان نشان میدهد که مذاکرات شاه، امیر کویت از جهت کامیابی سیاسی در سطح مذاکرات شاه و فیصل توده است. مجله نیوز ویک در باره مذاکرات شاه و فیصل صریحاً چنین ارزیابی میکند: «بهر جهت این مهمترین خبری بود که ایالات متحده امریکا از خاور میانه دریافت داشته است... تصور میکنم مسئله روشن باشد. فاکت ها باندازه کافی گویاست.

امپریالیستها که در این اواخر با بهانه قرار دادن حوادث چکوسلواکی کورس تجاوز کرانه خود را تشدید کرده اند، در خاور میانه نیز صف بندی مطلوبی را که سالیان دراز است در آرزوی آن هستند بوجود میآورند. شاه ایران، ملک عربستان سعودی، امیر کویت اختلافات را بین خود حل میکنند و بهم نزدیک میشوند.

این نزدیکیها بسود لندن و واشنگتن است و اگر در آن برای هیئت های حاکمه ارتجاعی این کشور ها نیز منافع قائل کردیم، بهتر جهت هیچ سوئی به مردم ایران وعده نمیدهد بلکه برعکس نتیجه مستقیم آن تقویت مواضع ارتجاعی در خاور میانه است.

عقبتا سیر زمانه در عصر ما در جهت دیگری است. با قرار داد های روی کاغذ، با اجراء مراسم حج و عمره از طرف شاه ایران در مکه (۱) با نقطه های متقابل تعلق آمیز در ریاض و کویت اولاً نمیتوان ماهیت واقعی این بند و بست ها را پوشاند. ثانیاً نمیتوان این کشتی شکسته را بر خلاف وزش عصر ما براه دوری برد.

### قابل توجه علاقمندان به «نشریات توده»

با تقاضای خوانندگان و با ابراز تشکر از ایشان که آمادگی خود را برای پرداخت بهای نشریات توده اعلام داشته اند، بدینوسیله بهای مهمترین نشریات توده به اطلاع همگان میرسد. ضمناً از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که نکات زیر را رعایت فرمایند:

(۱) بهای نشریات را به حساب بانکی اعلام شده بپردازند.

(۲) خوانندگان مقیم خارج از کشور معادل ریالی بهای نشریات را به پول کشور محل اقامت خود بپردازند.

(۳) خوانندگان گرامی بابت نشریاتی که تاکنون دریافت داشته اند هر قدر میتوانند کمک کنند.

(۴) رسید نشریات و مبلغ ارسالی را کتباً نیز بما اطلاع دهند.

(۵) کتب زیر تمام شده است از تقاضای ارسال آن خود باری فرمایند:

| نام نشریه                      | بها     |
|--------------------------------|---------|
| ماهنامه مردم                   | ۱۰ ریال |
| مجله دنیا                      | » ۴۰    |
| مجله مسائل بین المللی          | » ۲۰    |
| مایفست                         | » ۴۰    |
| سرمایه جزوه ۱ و ۲ و ۳          | » ۴۰    |
| انقلاب اکتبر و ایران           | » ۸۰    |
| برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی | » ۲۰    |
| اصول فلسفه مارکسیسم            | » ۲۰    |
| آخرین دفاع روزبه               | » ۲۰    |
| یادداشت های فلسفی و اجتماعی    | » ۴۰    |
| گنومات                         | » ۴۰    |
| خان و دیگران                   | » ۱۰    |
| یادنامه شهیدان                 | » ۲۰    |
| رذیم ترور و اختناق             | » ۱۰    |
| خیانت او بوطنش                 | » ۲۰    |
| توده ایها در دادگاه نظامی      | » ۲۰    |

**Sweden Stockholm, Stockholms Sparbank**  
شماره حساب بانکی  
**C-1265-5 Dr. John Takman**

**تغییر آدرس رادیو پیک ایران**  
**هموطنان عزیز! رفقای حزبی!**  
به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.  
**P. B. 49034**  
**10028 Stockholm 49**  
**Sweden**